

«تبیین پولی تورم: تجربه ایران»

پدیدآورنده (ها) : طیب نیا، علی

اقتصاد :: نشریه تحقیقات اقتصادی :: بهار ۱۳۷۳ - شماره ۴۹ (ISC)

صفحات : از ۴۳ تا ۷۴

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/62273



عناوین مشابه

- تبیین پولی تورم: تجربه ایران
- تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران
- تبیین رابطه میان سیاست پولی - ارزی و بدهی دولت و تأثیر آنها بر تورم و رشد اقتصادی در ایران
- اثر تکانه پولی بر رشد اقتصادی و تورم ایران رهیافت تعادل عمومی تصادفی پویا
- سیاست پولی بهینه در شرایط نااطمینانی از رابطه میان تورم و بیکاری در ایران (رابطه ی فیلیپس)
- تأثیر عوامل پولی و روانی بر تورم در ایران طی سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۷۴
- تورم شدید مانعی در راه رشد اقتصادی نگرشی جهانی و تجربه ایران
- تورم و سیاستهای جبرانی پولی و ارزی در اقتصاد ایران
- متن سخنرانی آقای دکتر زاهدی رئیس کل بانک اعتبارات کشاورزی و عمرانی روستائی ایران (اهمیت اعتبارات کشاورزی در جلوگیری از تورم پولی کشور)
- بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی و درآمدهای نفتی بر تورم و رشد اقتصادی در ایران

تبیین پولی تورم : تجربه ایران

دکتر علی طیب نیا[1]

چکیده:

طرفداران مکتب اصالت پول معتقدند که تورم همیشه و همه جا یک پدیده پولی بوده و ناشی از عدم موازنه بین رشد پول و تولیدات حقیقی می‌باشد. براین‌اساس سیاستهای پولی بانک مرکزی که به طور ارادی اعمال می‌گردند، علت اصلی پیدایش فشارهای تورمی محسوب می‌شود. هدف این مقاله ارزیابی مناسبت الگوی پولی برای تبیین تورم ایران و برآورد میزان مشارکت عوامل پولی در شکل‌گیری فشارهای تورمی می‌باشد. بدین منظور چارچوب نظری مکتب پولی در چهار قضیهٔ عمده خلاصه گردیده و با استفاده از الگوی مناسب مورد ارزیابی و آزمون تجربی قرار گرفته است.

مقدمه:

تورم در اقتصاد ایران از اواخر دهه ۴۰ به‌صورت جدی پدیدارگشت. آمار و ارقام نشان می‌دهد که تااواخر این دهه قیمتها از ثبات نسبی برخوردار بوده‌اند. در دهه ۴۰ نرخ تورم به طور متوسط ۱/۷ درصد درسال بوده است. برنامه‌های عمرانی رژیم سابق باعث گذار اقتصاد ملی از یک اقتصاد معیشتی، بسته، فقیر، خودکفا ونسبتاً متعادل به یک اقتصاد مبادله‌ای، وابسته، نسبتاً مرفه و غیرمتعادل گردید. فرایند توسعه اقتصادی کشور با تکیه بر تزریق درآمدهای سرشار نفتی در قالب برنامه‌های مالی دولت، موجب بروز عدم تعادل بین توان تولیدی و الگوی مصرف کشور، عدم تعادل در تجارت خارجی، عدم تعادل دریافت بودجه دولت، عدم تعادل در

۱.دکتر علی طیب نیا، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد ـ دانشگاه تهران.

ترکیب بخشهای اقتصادی، عدم تعادل بین مناطق اقتصادی کشور، دوگانگی شیوه تولید، فقدان حلقه‌های واسط در زنجیره تولید و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد و ثروت و وابستگی اقتصاد ملی به درآمد تک محصولی نفت گشته و توام باعملکرد ساخت مالی و پولی کشور باعث بروز و تشدید فشارهای تورمی در جامعه گردید.

پدیده تورم دردهه ۵۰ تحت تأثیر عوامل ساختاری فوق‌الذکر که آثارش در عدم موازنه بین رشد نقدینگی و تقاضای مؤثر و رشد عرضه کل ظاهر می‌گشت، آغاز و از طریق تورم وارداتی و فشار هزینه‌های تولید شدت یافت. طی دوره (۵۷-۱۳۵۱) شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از ۷۷/۹ به ۱۷۶/۲ رسید و در مجموع ۱۲۶ درصد افزایش یافت. نرخ رشد متوسط قیمتها طی دوره مورد بحث ۱۳/۵ درصد بوده است.

درسالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌علت فقدان برنامه جامع رشد و توسعه اقتصادی، تنش‌های سیاسی - اجتماعی، جنگ تحمیلی و نوسانات شدید درآمدهای ارزی، اقدامات ریشه‌ای و بنیانی جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادلهای آن صورت نگرفت و لذا به علت حفظ و تداوم ساختار اقتصادی وابسته وتک‌محصولی و عدم تعادلهای حاکم بر اقتصاد کشور، سیاستهای پولی و مالی انبساطی، افزایش هزینه‌های تولید، تورم وارداتی، جنگ تحمیلی، نارسائیهای سیستم توزیع، عوامل روانی و... گرایشات و فشارهای تورمی شدیدی در جامعه ظاهر گشت که هنوز هم ادامه دارد. به‌طور کلی رشد متوسط سالانه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی طی دوره (۷۰-۱۳۵۸) حدود ۱۸ درصد بوده است.

اگرچه در زمینه شناخت الگوی تورم ایران مطالعات متعددی صورت گرفته است، لکن توجه جدی به ریشه‌های بنیادین تورم که در ساختارهای اقتصادی نامتوازن و نامتجانس نهفته است، نشده و عمده بررسیها ناظر برکاربرد نظریه‌های سنتی اقتصاد کلان و به ویژه «نظریه پولی تورم» بوده است. این بررسیها عموماً انبساط پولی را علت اصلی پیدایش فشارهای

تورمی در ایران دانسته و معتقدند که نظریه پولی تورم در اقتصاد ایران معتبر می‌باشد.

هدف این مقاله آن است که در پرتو یک مطالعه تجربی، نظریه پولی تورم را در اقتصاد ایران مورد ارزیابی مجدد قراردهد. به اعتقاد ما تورم ایران یک پدیده پولی صرف و یا عدم تعادل ساده بین عرضه و تقاضا نیست، بلکه آمیزه‌ای از مشکلات اجتماعی - اقتصادی و نهادی است که ریشه در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نامتوازن و نامتجانس دارد.

نظریه پولی تورم

ارائه یک نظریه که مورد قبول عموم اقتصاددانان پولی باشد، امری محال است . طرفداران مکتب اصالت پول معتقدند که «پول مهم است» اما در ورای این عقیده مشترک،به تعداد اقتصاددانان پولی، گونه‌های مختلف نظریه پولی وجود دارد. اگربتوان شعار واحدی برای اقتصاددانان پولی یافت، همانا جمله معروف فریدمن می‌باشد که «تورم همیشه و همه جا یک پدیده پولی است.»[۱] براین اساس «تغییرات بلندمدت حجم پول نسبت به تولید، رفتار دیرپای قیمتها رامعین می‌کند.»[۲]

نظریه پولی، تورم راصرفاً معلول افزایش نامتناسب حجم پول می‌داند. اقتصاددانان پولی معتقدند که «افزایش مستمر عرضه پول، با نرخی بیش از حاصل‌ضرب نرخ رشد درآمد حقیقی و کشش درآمدی تقاضابرای پول، شرط لازم و کافی برای تورم مستمر می‌باشد.»[۳]

1. Friedman (10,PP24).

2. Friedman (9,PP277).

3. Laidler and Parkin (20, PP795).

به‌طور خلاصه می‌توان نظریه پولی تورم را در قضایای چندگانه ذیل خلاصه نمود:

الف. تورم دربلندمدت یک پدیده پولی است. بدین معنا که رشد بالا و مستمر عرضه پول باعث ایجاد تورم می‌شود و رشد پائین عرضه پول سرانجام نرخ تورم را تقلیل خواهد داد. به‌علاوه نرخ بالای تورم نمی‌تواند برای مدت طولانی بدون رشد بالای عرضه پول ادامه یابد.[۱]

ب. رابطه بین قیمتها و عرضه پول در بلندمدت متناسب می‌باشد، بدین معنا که ۱۰ درصد افزایش در عرضه پول، سرانجام سطح عمومی قیمتها را ۱۰ درصد افزایش می‌دهد.[۲]

ج. رابطه علت و معلولی از پول به قیمت می‌باشد، یعنی اینکه تغییرات عرضه پول علت تغییرات قیمت می‌باشد و نه معلول آن.[۳]

د. تراز اسمی پول «برون زا» و «کنترل پذیر» بوده و توسط مسئولین پولی تعیین می‌گردد. به‌عبارت دیگر عرضه پول «درون زا» و تابع فعالیتهای اقتصادی و متغیرهای کلان نمی‌باشد.[۴]

1.Dornbusch and Fischer (6, PP636).

2. Crouch (3 , PP166).

3. Humphrey (15 ,PP.1-18).

4. Friedman and Schwartz (7 ,PP 676).

نظریات پولی خود به دو دسته تقسیم می‌گردند: نظریه پولی شماره یک و نظریه پولی شماره دو. براساس مکتب پولی شماره یک، تورم همیشه و همه جایک پدیده پولی است که از طریق رشد سریعتر عرضه پول نسبت به تولیدات حقیقی ایجاد می‌گردد. افزایش درنرخ رشد عرضه پول ابتدائاً در کوتاه‌مدت تولید واقعی و اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در بلندمدت آثار آن بر متغیرهای حقیقی مرتفع گشته و تنها نرخ تورم بلندمدت را افزایش می‌دهد.

براساس مکتب پولی شماره دو یانگرش «انتظارات عقلائی» تنها تغییرات غیرقابل پیش‌بینی عرضه پول (موقتاً) دارای آثار حقیقی براقتصاد می‌باشد و لذا نمی‌توان از آن به‌عنوان یک سیاست اقتصادی منظم استفاده نمود. براین اساس تغییرات پیش‌بینی شده عرضه پول حتی درکوتاه‌مدت نیز تنها قیمتها را به‌طور متناسب تحت تأثیر قرار می‌دهد و تأثیری برمتغیرهای حقیقی ندارد.

نسخه مکتب اصالت پول برای درمان تورم بسیار ساده و سر راست می‌باشد. افزایش قانونمند و با ثبات عرضه پول با نرخ برابر یااندکی بیش از رشد متوسط تولید، تمام چیزی است که برای حل مشکل تورم لازم می‌باشد.(۱)

ارزیابی نظریه پولی تورم دراقتصادایران

مکتب اصالت پول، تورم را منحصراً ناشی از افزایش نامتناسب عرضه پول می‌داند. براساس تحلیل مکتب پولی، سطح قیمتهابه‌نحو مستقیم و متناسب، به مقدار پول بستگی دارد. در اقتصاد ایران نیز بدون تردید افزایش سریع نقدینگی بخش خصوصی و تزریق مستمر قدرت خرید اضافی، یکی از عوامل مؤثر بر رشد سطح عمومی قیمتهابوده است.

---

1. Friedman (8).

معمولاً در جوامعی که اقتصاد مبادله‌ای حاکم است، میزان تقاضای مؤثر از طریق عبارت سمت چپ معادله مبادله فیشر محاسبه می‌گردد:

$$M.V=P.Y$$

طرف راست معادله فوق ارزش پولی عرضه کل است و معادل حاصل‌ضرب تولید حقیقی ومتوسط قیمتها می‌باشد. طرف چپ معادله مبین پرداختهای پولی جامعه برای کالاها و خدمات وبه‌عبارت دیگر تقاضای کل جامعه می‌باشد و عبارتست ازحاصل‌ضرب نقدینگی (پول به‌علاوه شبه پول) و سرعت گردش درآمدی پول. بنابراین می‌توان گفت که تقاضای کل جامعه از حاصل‌ضرب نقدینگی و سرعت گردش آن به‌دست آمده و افزایش هر یک از این دو عامل منجربه افزایش تقاضای کل گشته و درصورتی‌که با افزایش متناسب عرضه کل کالاها و خدمات توام نباشد، افزایش قیمتها را به همراه خواهد داشت.

به‌طور خالص در فاصله سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ نقدینگی بخش خصوصی از ۵۶/۱ میلیارد ریال به ۲۸۶۲۸ میلیارد ریال افزایش یافت که حاکی از۵۱۰۲۱ درصد رشد می‌باشد. طی همین دوره تولید ناخالص ملی به قیمتهای ثابت حدود ۳۷۸ درصد افزایش یافته است. تولید ناخالص ملی به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱، در سال ۱۳۴۰ حدود ۲۵۵۱/۶ میلیارد ریال و درسال ۱۳۷۰ حدود ۱۲۲۱۳ میلیارد ریال بوده است. با توجه به معادله مبادله فیشر هرگاه سرعت گردش نقدینگی ثابت باقی می‌ماند، قیمتها می‌بایست معادل تفاضل نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تولید حقیقی (M-Y) یعنی ۵۰۶۴۳ درصد افزایش می‌یافت.

براساس مکتب اصالت پول، تورم دربلندمدت معلول عدم موازنه بین نرخ رشد نقدینگی و تولیدات حقیقی بوده و براین اساس نرخ تورم معادل تفاضل نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تولیدات می‌باشد. بنابراین براساس

مکتب اصالت پول قیمتها بایدطی دوره (۷۰-۱۳۴۰) حدود ۵۰۰۰۰ درصد افزایش می‌یافت. ولی در عمل شاخص ضمنی GNP تنها ۳۰۰۰ درصد افزایش یافته است. طی همین دوره نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای عمده فروشی کالاها کمتر از ۲۵۰۰ درصد بوده است. به‌عبارت دیگر نرخ تورم واقع شده به مراتب کمتر از پیش‌بینی مکتب پولی بوده است. بنابراین دومین قضیه مهم پولگرایان یعنی وجود رابطه متناسب بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد قیمتها در اقتصاد ایران بسیاردور از واقعیت به‌نظر می‌رسد.

علت اصلی مغایرت نظریه پولی با تجربه تورمی ایران، کاهش قابل ملاحظه سرعت گردش نقدینگی است که عامل مؤثری درکاهش نرخ رشد تقاضای مؤثر و به تبع آن تخفیف فشارهای تورمی بوده است. سرعت گردش پول درسال ۱۳۴۰ حدود ۵/۸ بار در سال بوده است. رقم مذکور تا سال ۱۳۴۲ به ۴/۳ بار، تاسال ۱۳۵۰ به ۳/۱ بار و تا سال ۱۳۵۷ به ۱/۹ بار در سال کاهش یافته است. روند نزولی سرعت گردش نقدینگی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب نیزکم و بیش ادامه یافته و تا سال ۱۳۶۸ به ۱/۴ بار رسیده است. طی سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ سرعت گردش پول تا حدودی افزایش یافته و به ۱/۶ بار در سال رسیده است.

تخمین رابطه پول - قیمت

مطالعات پولی تورم درکشورهای در حال توسعه عموماً متکی برالگوی هاربرگر[1] بوده است که اولین بار توسط شخص آرنولد هاربرگر به منظورارزیابی نظریه‌های «پولی» و «فشارهزینه» در امریکای لاتین آزمون گردیده است.

1. Harberger (13,PP219-250).

دراین قسمت به‌منظور بررسی قدرت توضیحی الگوی پولی خالص درتبیین تورم ایران، الگوی هاربرگر برای دوره زمانی (۷۰-۱۳۴۰) تخمین زده می‌شود.

$$\mathring{P}_t = \alpha_0 + \alpha_1 \mathring{M}_t + \alpha_2 \mathring{M}_{t-1} - \alpha_3 \mathring{Y}_t + \alpha_4 A_t$$

متغیرهای وابسته و مستقل معادله رگرسیون فوق به‌شرح ذیل تعریف می‌گردند:

$\mathring{P}_t$ = نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات درمناطق شهری ایران

$\mathring{M}_t$ = نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی درسال جاری

$\mathring{M}_{t-1}$ = نرخ رشدنقدینگی بخش خصوصی درسال قبل

$\mathring{Y}_t$ = نرخ رشد تولید ناخالص ملی به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱

A_t = تغییر در نرخ تورم انتظاری، یعنی :

$$A_t = \mathring{P}e_t - \mathring{P}e_{t-1}$$

که درآن $\mathring{P}e_t$ و $\mathring{P}e_{t-1}$ به‌ترتیب نرخ تورم انتظاری در سال جاری و سال قبل می‌باشند. برای تخمین نرخ تورم انتظاری نیزاز روشهای ذیل استفاده می‌شود:

الف. نرخ تورم انتظاری با استفاده از الگوی انتظارات تطبیقی و برحسب نرخهای تورم دوره‌های قبل تعریف می‌گردد:

$$\mathring{P}_e = (1-\theta)\mathring{P}_{-1} + (1-\theta)\theta\mathring{P}_{-2} + (1-\theta)\theta^2\mathring{P}_{-3} + (1-\theta)\theta^3\mathring{P}_{-4} + (1-\theta)\theta^4\mathring{P}_{-5}$$

دراین بررسی به θ مقادیر متعدد از صفر تا ۰/۹ نسبت داده شده و سپس به‌ازاء هرمقدار، معادله نرخ تورم برآورد گردیده است. نهایتاً مقدار θ که بیشترین R^2 رابه ما بدهد انتخاب شده است.[۱] در این مطالعه بهترین نتیجه با $\theta=0$ به‌دست آمده است. بدین معنا که نرخ تورم انتظاری معادل نرخ تورم دوره قبل درنظرگرفته شده است.

ب . در مرحله اول یک معادله رگرسیون تخمین زده شد که در آن متغیر وابسته نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (نرخ تورم دوره جاری) و متغیر مستقل نرخ رشد شاخص مذکور در دوره قبل (نرخ تورم تأخیری) می‌باشد. نتایج معادله رگرسیون فوق‌الذکر که با استفاده از روش OLS تخمین زده شده است، ذیلاً ارائه می‌گردد:

$$\dot{P}_t = ۳/۳۴ + ۰/۷۳\dot{P}_{t-1}$$
$$(۱/۸۴۲) \quad (۰/۱۲۶)$$
$$R^2 = ۰/۵۴$$
$$d.w = ۱/۶۹$$

در مرحله دوم مقادیر پیش‌بینی این الگوی رگرسیون به‌عنوان تخمین نرخ تورم انتظاری مورداستفاده قرارگرفته است. بررسی مانشان می‌دهد که استفاده از روشهای فوق تفاوت معنی داری درنتایج کار به‌وجود نمی‌آورد، لذا تنها نتایج معادلاتی گزارش گردیده است که بااستفاده از روش اخیر برآورد گردیده‌اند.

---

1. Aksoy (1).

الگوی پولی هاربرگر با استفاده از آمار سالانه برای دوره (۷۰-۱۳۴۰) با روش OLS برآورد گردیده است که نتایج آن ذیلاً ارائه می‌گردد.

$$\overset{\circ}{P}_t = ۸/۲۵۹ - ۰/۴۹۹\overset{\circ}{Y}_t + ۰/۱۸۴\overset{\circ}{M}_t - ۰/۰۸۰\overset{\circ}{M}_{t-1} + ۰/۱۷۱\overset{\circ}{M}_{t-2} + ۰/۳۲۱A_t$$

(۳/۹۷۴) (۰/۱۷۰) (۰/۱۷۶) (۰/۲۰۴) (۰/۱۷۲) (۰/۳۵۵)

$\bar{R}^2 = ۰/۲۸$ d.w = ۱/۱۴

براساس نظریه پولی آثار افزایش عرضه پول برسطح عمومی قیمتها بسرعت ظاهر نمی‌شود، بلکه نوسانات پولی، قیمتها را در طول زمان به‌تدریج تحت تأثیر قرارمی‌دهد. لذا به‌منظور درک الگوی زمانی فرآیند اثرگذاری پول برقیمتها، متغیر نرخ رشد عرضه پول با دو وقفه معرفی گردیده است. اصطلاحاً الگوی فوق «مدل تأخیرات توزیعی»[۱] نامیده می‌شود. الگوی فوق با استفاده از روش المون و از طریق حداقل مربعات معمولی تخمین زده شده است. درتخمین فوق تعداد وقفه‌ها ۲ و درجه چندجمله‌ای تأخیرها ۲ انتخاب شده است. هم چنین هیچگونه محدودیتی بر چند جمله‌ای ضرایب تحمیل نشده است.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که ضرایب متغیرهای تأخیری معنی‌دار نمی‌باشند. مهمترآنکه ضریب $\overset{\circ}{M}_{t-1}$ منفی بوده و با علامت قابل پیش‌بینی سازگار نمی‌باشد.

لذا نتیجه می‌گیریم که در اقتصاد ایران آثار انبساط پولی برتورم، عمدتاً طی یک دوره زمانی (یک سال) ظاهر می‌گردد و لذا متغیرهای پولی تأخیری فاقد تأثیر معنی‌دار بر تورم می‌باشند.

1. Distributed lag model.

براین اساس الگوی پولی هاربرگر پس از حذف متغیرهای تأخیری با استفاده ازروش OLS برآوردگردیده است:

$$\dot{P}_t = ۹/۵۵ + ۰/۲۱۶\dot{M}_t + ۰/۴۸۲\dot{Y}_t + ۰/۳۰A_t$$
$$(۳/۳۸) \quad (۰/۱۲۹) \quad (۰/۱۶۴) \quad (۰/۳۳۵)$$
$$\bar{R}^2 = ۰/۳۱ \qquad d.w = ۱/۱۳$$

همانگونه که قبلاً بیان گردید نظریه پولی مدعی است که «تورم همیشه وهمه جا یک پدیده پولی است»، لذا تجربه ایران نیز باید تلازم و همبستگی «مستقیم و متناسب» بین تغییرات عرضه پول و قیمتها را تائید نماید.

به‌طور خلاصه براساس پیش‌بینی «نظریه پولی تورم» نکات ذیل در ارتباط با علامت و مقدار ضرایب متغیرهای توضیحی در معادله هاربرگر قابل ذکراست. اولاً ضریب متغیرنرخ رشد پول نباید تفاوت معنی‌داری از یک داشته باشد. بدین معناکه بافرض ثبات سایر عوامل، یک درصد افزایش در نرخ رشد عرضه پول باید باعث یک درصد افزایش در نرخ تورم گردد. ثانیاً، ضریب نرخ رشد حقیقی نباید به‌نحو معنی‌داری متفاوت از یک باشد. یعنی اینکه یک درصد افزایش در تولیدات حقیقی باید باعث کاهش یک درصد در نرخ تورم گردد و نهایتاً ضریب متغیر «هزینه انتظاری نگهداری پول» (A) باید مثبت و معنی‌دار باشد. لیکن نتایج الگوی فوق حاکی ازآن است که نظریه پولی رفتار قیمتها درایران را به‌طور کافی توضیح نمی‌دهد. ضریب تعیین تعدیلی $\bar{R}^2$ بسیارکوچک بوده و تنها قادر به توضیح یک سوم تغییرات نرخ تورم می‌باشد. آماره دوربن - واتسون معادل ۱/۱۳ می‌باشد که حاکی از وجود همبستگی مثبت در باقیمانده‌ها می‌باشد. گرچه متغیرها دارای علامت قابل پیش‌بینی می‌باشند، ولی ضریب متغیر A معنی‌دار نبوده و ضریب M تنها در سطح احتمال ۱۰ درصد معنی داراست. ضریب نرخ رشد GNP حقیقی دارای علامت مناسب منفی بوده و کاملاً معنی داراست.

ضریب نرخ رشدعرضه پول ۰/۲۱ می‌باشد. بدین معنا که ۱۰ درصد

افزایش درنرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی تنها باعث افزایش ۲ درصد در نرخ تورم می‌گردد. این نتایج به وضوح با پیش‌بینی الگوی پولی مبنی بر وجود همبستگی متناسب بین تغییرات عرضه پول و قیمتها مباینت دارد.

نمودار شماره ۴ نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی را در مقابل زمان نشان می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد که ساختار اثرگذاری تغییرات پول برنرخ تورم در سالهای بعد از انقلاب دچار تغییرات اساسی و چشمگیری شده است. همانگونه که نمودار نشان می‌دهد در مجموع تا سال ۱۳۵۷ رابطه بین نرخ رشد عرضه پول ونرخ تورم درمجموع مستقیم است ولی نرخ تورم همواره درحد قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از نرخ رشد نقدینگی می‌باشد. در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فاصله عمودی بین دو نمودار به‌نحو محسوسی کاهش یافته است، تا جائی‌که در چند سال نرخ رشد قیمتها بیشتر از نرخ رشد عرضه پول بوده است. به‌عبارت دیگر به‌نظر می‌رسد که درسالهای بعد از انقلاب شدت اثرگذاری نوسانات پولی برتغییرات قیمتها افزایش یافته است.

به‌منظور آزمون این فرضیه که آیا در سالهای بعد از انقلاب واکنش تورم نسبت به نوسانات پولی افزایش یافته است یا نه، یک متغیرمجازی برای سالهای بعد از انقلاب به معادله تورم اضافه می‌نمائیم. اگر ضریب متغیر مجازی معنی‌دار باشد، به‌معنای تائید فرضیه ما مبنی بر تغییر ساختار اثرگذاری انبساط پولی برقیمتها می‌باشد:

$$\dot{P}_t = \alpha_0 + (\alpha_1 + \alpha_2 D)\dot{M}_t - \alpha_3 \dot{Y}_t + \alpha_4 A_t$$

درمعادله فوق D یک متغیر مجازی است که برای سالهای پیش از انقلاب مقدار صفر و برای سالهای بعد از انقلاب مقدار یک می‌گیرد. بدین ترتیب ضریب M_t برای سالهای پیش از انقلاب α_1 و برای سالهای بعد از انقلاب $(\alpha_1 + \alpha_2)$ می‌باشند. نتایج الگوی فوق که با استفاده از روش OLS تخمین

زده شده است، ذیلاً ارائه می‌گردد:

$$\dot{P}_t = ۳/۱۰ + (۰/۲۰۸ + ۰/۵۰۸\,D)\,\dot{M}_t - ۰/۱۵۳\,\dot{Y}_t + ۰/۹۱۶\,A_t$$

$$(۳/۸۴۴ \quad (۰/۰۹۴) \qquad (۰/۱۱۰) \qquad (۰/۱۳۹) \qquad (۰/۲۷۸)$$

$$\bar{R}^2 = ۰/۶۳ \qquad\qquad d.w = ۱/۵۷$$

مجدداً تمامی متغیرها دارای علامت قابل پیش‌بینی بوده و ضرایب تمامی متغیرها به استثناء $\dot{Y}$ معنی دار می‌باشند. ضریب متغیر D برابر ۰/۵۰ بوده و درسطح احتمال ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار است.

در سالهای پیش از پیروزی انقلاب ضریب نرخ رشد عرضه پول ۰/۲ بوده است. بدین معنا که یک درصد افزایش در نرخ رشد عرضه پول تنها باعث ۰/۲ درصد افزایش در نرخ تورم شده است، حال آنکه ضریب مربوطه در سالهای بعد از پیروزی انقلاب به ۰/۷ (۰/۵۰۸+۰/۲۰۸) افزایش یافته است که حاکی از افزایش در میزان اثرپذیری تورم نسبت به تغییرات پولی است. به‌عبارت دیگر در سالهای بعد از انقلاب همبستگی مثبت بین رشد عرضه پول و تورم به‌نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. ضریب تعیین تعدیلی $\bar{R}^2$ نیز از ۰/۳۱ به ۰/۶۳ افزایش یافته است که حاکی از افزایش قابل ملاحظه در قدرت توضیحی معادله اخیر می‌باشد.

بنابراین هر چند تجربه ایران وجود تلازم و همبستگی مستقیم و معنی‌دار بین رشد عرضه پول و تورم را تائید می‌نماید ولی این همبستگی متناسب نمی‌باشد، لذا قضیه دوم نظریه پولی با مشاهدات مربوط به اقتصاد ایران سازگار نیست.

همچنین بررسی ما نشان می‌دهد که اضافه‌کردن متغیرهای ساختاری و فشار هزینه به الگوی هاربرگر باعث افزایش قدرت توضیحی الگو می‌گردد، حال آنکه به اعتقاد طرفداران مکتب اصالت پول، تورم صرفاً یک پدیده پولی است و اگر عوامل پولی به حساب آیند، سایر متغیرها برقدرت توضیحی معادله تورم نمی‌افزایند.

آزمون رابطه سببی بین حجم پول وقیمتها

براساس مکتب اصالت پول، اولاً یک تلازم مثبت، معنی دار ویک به یک بین رشد پول و تورم وجود دارد و ثانیاً، جهت رابطه سببی ازعرضه پول به تورم می‌باشد. یعنی عرضه پول متغیر فعال بوده و سطح عمومی قیمتها به‌صورت «انفعالی» و تحت تأثیر انبساط پولی تغییر می‌کند. در واقع پول گرایان با تکیه برهمین رابطه سببی یک سویه است که تورم را معلول انبساط پولی دانسته ودرمان آن رانیزدرسیاستهای پولی انقباضی جستجو می‌کنند. ساختارگرایان نیز منکر تلازم بین انبساط پولی و تورم نیستند، بلکه معتقدند که تورم ناشی ازعوامل ساختاری هم چون عدم تعادل در بودجه دولت و تجارت خارجی است و عرضه پول به‌صورت «درون زا» تحت تأثیر شرایط تورمی تغییر می‌کند.(۱)

به اعتقاد ساختارگرایان، نرخ تورم به‌دلایل ساختاری افزایش می‌یابد. افزایش نرخ تورم تراز حقیقی نقدی راکاهش داده و باعث افزایش نرخ بهره می‌گردد که دارای آثار منفی بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی است. در چنین شرایطی ممکن است دولت به‌منظور تثبیت نرخ بهره سیاست انبساط پولی اتخاذکند.ازطرف دیگر تورم قدرت خرید درآمدهای دولت را کاهش داده و باعث افزایش کسر بودجه می‌گردد. تأمین مالی کسربودجه ازطریق استقراض از بانک مرکزی عرضه پول را افزایش خواهد داد.

نیکلاس کالدور دراین زمینه می‌نویسد:

> **«هرگز درست نیست که بگوئیم میزان مخارج روی کالاها و خدمات، به‌دنبال افزایش حجم پول بانکی که توسط مردم نگهداری می‌شود افزایش می‌یابد. برعکس این افزایش در میزان مخارج کل است که باعث افزایش پول بانکی می‌گردد. در اقتصادی که متکی‌برپول بانکی است، روابط**

1. Darrat (5,PP385).

سببی بین پول و درآمد و یا پول و قیمتها عکس آن چیزی است که درنظریه مقداری پول فرض شده است».[۱]

براین اساس افزایش عرضه پول علت مشدده تورم می‌باشد که اجازه می‌دهد مارپیچ تورمی خود را نشان داده و به‌صورت تراکمی درآید. انبساط پولی نشانه چسبندگیهای ساختاری است که باعث پیدایش فشارهای تورمی می‌گردند و نه علت موجده تورم. به‌عبارت دیگر افزایش عرضه پول شرط لازم برای افزایش سطح عمومی قیمتهاست، اما شرط کافی تلقی نمی‌گردد.[۲]

پس به‌طور خلاصه براساس نظریه پولی، سیاستهای فعال پولی علت تغییرات قیمتها می‌باشد، حال آنکه براساس نظریه ساختارگرا، عرضه پول به‌صورت درون زا تعیین گشته و متاثر از شرایط تورمی جامعه می‌باشد.

هر چند که مفهوم رابطه سببی بسیار پیچیده بوده و دارای ابعاد مختلفی است اما گرنجر[۳] برای مفهوم رابطه سببی درچارچوب الگوهای سریهای زمانی یک مفهوم قابل آزمون ارائه کرده است.

آزمون گرنجر[۴] در ادبیات اقتصادی به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. در این قسمت ما با استفاده ازآزمون گرنجر به آزمون رابطه بین «نرخ رشد عرضه پول» و «نرخ رشد قیمتها» می‌پردازیم.

برای آنکه نتایج حاصله از آزمون گرنجر معتبر باشد، لازم است که متغیرها White noise بوده و پسماندها دارای همبستگی سریالی نباشند. ازآنجاکه مشتق اول متغیرهای M و P, Stationar هستند، لذا در آزمون روابط سببی از نرخ رشد حجم پول و نرخ رشد قیمتها استفاده کرده‌ایم.

---

1. Kaldor (17 ,PP294).

2. Kirkpatrick and Nixon (19,PP124).

3.Granger

4. Greenberg and webster (12,PP155).

به منظور ارزیابی روابط علت و معلولی بین پول و قیمت دو فرضیه صفر مورد آزمون قرار می‌گیرند. فرضیه اول این است که «رشد عرضه پول علت تورم نیست.» دومین فرضیه صفر به این شرح می‌باشد: «تورم علت تغییرات حجم پول نیست.»

نتایج آزمون گرنجر برای چهار وقفه در متغیرهای توضیحی ذیلاً ارائه گردیده است.

	آماره F	احتمال
H_0^1: رشد عرضه پول علت تورم نیست.	۰/۲۹۶	۰/۸۷۶
H_0^2: تورم علت رشد عرضه پول نیست.	۱/۰۱۴	۰/۴۲۹

لازم به ذکر است که نتایج این آزمون نسبت به تعداد وقفه‌ها حساسیتی نداشت. همانگونه که ملاحظه می‌شود هیچکدام از فرضیه‌های صفر رد نمی‌گردند. به عبارت دیگر نرخ رشد پول به‌نحو معنی داری نرخ تورم را توضیح نمی‌دهد. هم‌چنین نرخ تورم نیز به‌نحو معنی‌داری نرخ رشد پول را توضیح نمی‌دهد. نتایج حاصله از آزمون گرنجر نشان می‌دهد که در اقتصادایران رشد پول باعث تورم نمی‌گردد و تورم نیز علت رشد عرضه پول نمی‌باشد.
به عبارت دیگر علیرغم وجود همبستگی معنی‌دار بین انبساط پولی وتورم، هیچگونه رابطه علت و معلولی بین آنها وجود ندارد. این نتیجه‌گیری تعجب آور نیست چرا که ممکن است هر دو متغیر تحت تأثیر عامل و یا عوامل دیگری تغییر نمایند.

لذا براساس آزمون گرنجر، همبستگی آماری قابل ملاحظه بین رشد عرضه پول و تورم جعلی بوده ودال برهیچگونه رابطه سببی نیست ولذا به منزله تائید نظریه پولی تورم نمی‌باشد.

عرضه پول : درون زا یابرون زا؟

نظر اقتصاددانان پولی را می‌توان در این جمله خلاصه نمودکه «پول یگانه عامل مهم و مؤثر بر سطح عمومی قیمتها و سایر متغیرهای اسمی است.» این عقیده براساس پاره‌ای فروض درباره عرضه پول و تقاضا برای آن استوار می‌باشد. به‌طور خاص طرفداران نظریه پولی فرض می‌کنند که عرضه پول نسبت به نرخ بهره و سایر متغیرهای اقتصادی کاملاً کشش ناپذیراست. بنابراین بانک مرکزی قادراست عرضه پول را برحسب صلاحدید خود به‌نحو مقتضی تنظیم نماید. نتیجه تئوریک این فرض افزایش اهمیت نسبی سیاستهای پولی در مقابل سیاستهای مالی است. هرچه «برون‌زائی» عرضه پول بیشترباشد، توانائی سیاستهای پولی افزایش یافته وازتوانائی سیاستهای مالی کاسته می‌گردد.

پس به‌طور خلاصه درمکتب اصالت پول تراز اسمی پولی «برون زا» و «کنترل‌پذیر» بوده و توسط مسئولین پولی تعیین می‌گردد. به‌عبارت دیگر عرضه پول تابع فعالیتهای اقتصادی و متغیرهای کلان نمی‌باشد. اگرانبساط پولی شرط لازم وکافی برای خلق تورم بوده و عرضه پول کاملاً تحت کنترل مسئولین پولی است، در این‌صورت بانک مرکزی مسئول آغاز و یا پایان تورم می‌باشد. بنابراین طرفداران مکتب اصالت پول نتیجه‌گیری می‌کنند که تنها راه تثبیت قیمتها، کنترل نرخ رشدعرضه پول، براساس «قواعد پولی»[1] معین است.

---

1. Monetary Rules.

اقتصاددانان غیرپولی معتقدند که «تغییرات عرضه پول ممکن است درون زا باشد، بدین معناکه کنترل عرضه پول به سهولت وفوریت توسط دولت امکان‌پذیرنبوده، بلکه ازسایرعوامل مؤثر در اقتصاد سرچشمه بگیرد.»[۱]

همانگونه که هیکس می‌نویسد:

«جای سئوال نیست که... اگر پول، پول فلزی باشد، عرضه آن می‌تواند یک متغیربرون‌زا تلقی گردد که حداقل، تغییرات عمده آن ناشی ازخارج می‌باشد. اما پول بانکی بدین وضوح برون‌زا نیست. پول بانکی می‌تواند با تغییر در سیاست بانکی متاثر گردد، اما دریک سیاست معین عرضه پول بانکی توسط بازار تعیین می‌گردد. بنابراین متغیربرون‌زا نیست..»[۲]

نیکلاس کالدور معتقداست که حجم پول توسط تقاضای مردم تعیین می‌گردد. این مطلب با منحنی عرضه پول که نسبت به نرخ بهره کاملاً کشش پذیراست، نشان داده می‌شود. اگربانک مرکزی تصمیم بگیرد نرخ بهره را در سطح هدف تثبیت کند، نظارت خود بر عرضه پول را ازدست داده و ناگزیر می‌گردد هر مقدار پول که دراین میزان بهره مورد تقاضا قرار می‌گیرد، عرضه کند. اگر منحنی تقاضا برای پول مثلاً به‌دلیل رشد درآمد ملی جابه‌جا شود، بانک مرکزی ناگزیراست عرضه پول را افزایش دهد.

---

1. Clunies Ross (2,PP115).

2. Hicks (19,PP60).

کالدور دراین زمینه می‌نویسد:

«اکنون درحالت پول اعتباری نمایش مناسب عرضه پول، منحنی افقی است ونه عمودی. سیاست پولی توسط نرخ بهره معین و نه حجم معین عرضه پول نمایش می‌یابد و مقدار پول درگردش توسط تقاضا تعیین می‌شود. تقاضا با تغییردرآمد تغییر می‌کند و این احتمال وجود دارد که نرخ بهره افزایش ویاکاهش یابد. اما این واقعیت را تغییرنمی‌دهدکه همواره عرضه پول توسط تقاضا ونرخ بهره توسط بانک مرکزی تعیین خواهدگشت.»[1]

به اعتقاد ساختارگرایان عرضه پول درون‌زا و تابع قیمتها می‌باشد. از دید ساختارگرایان، نرخ تورم به دلایل ساختاری افزایش می‌یابد. افزایش نرخ تورم تراز حقیقی نقدی را کاهش داده و باعث افزایش نرخ بهره می‌گردد که دارای آثار منفی برسرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است. در چنین شرایطی ممکن است دولت به‌منظور تثبیت نرخ بهره سیاست انبساطی پولی اتخاذ کند. از طرف دیگر تورم قدرت خرید درآمدهای دولت را کاهش داده و باعث افزایش کسربودجه می‌گردد. تأمین مالی کسربودجه ازطریق استقراض ازبانک مرکزی عرضه پول را افزایش خواهد داد. علت افزایش کسر بودجه آن است که در شرایط تورمی، مخارج دولت سریعتر از درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد.

کارائی سیاستهای پولی درایران

در اقتصاد ایران عدم توازنهای ساختاری در بخش عمومی و بخش تجارت خارجی شرایط ویژه‌ای به‌وجود آورده است که استفاده از ابزار سیاستهای پولی درکنترل نقدینگی رامشکل بلکه ناممکن ساخته است.

---

1. Kaldor (18,PP24).

بررسی منابع پایه پولی طی سالهای اخیرنشان می‌دهد که دو جزء خالص دارائیهای خارجی و خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی که مهمترین اجزاء پایه پولی کشور هستند، درکنترل بانک مرکزی نمی‌باشندوتنها جزء سوم یعنی بدهی بانکها به بانک مرکزی است که درکنترل این بانک قراردارد، لیکن سهم این عامل درپایه پولی اندک است. لذا بانک مرکزی کنترل ناچیزی برپایه پولی کشوردارد.

شواهد تجربی حاکی از آن است که در دوران پیش از انقلاب اسلامی مازاد موازنه ارزی کشور و تزریق معادل ریالی آن در جامعه و نهایتاً افزایش خالص دارائیهای خارجی سیستم بانکی مهمترین عامل افزایش پایه پولی و نقدینگی بوده است. حال آنکه در سالهای بعد از انقلاب کسر بودجه‌های متوالی و فزاینده دولت و اتکاء به منابع سیستم بانکی جهت تأمین مالی آن مهمترین عامل مؤثر در رشد سریع نقدینگی بخش خصوصی می‌باشد. با توجه به ساخت نامتعادل و نامتوازن بودجه دولت و اتکاء شدید آن به درآمدهای نفتی، کاهش حجم صدور نفت و تقلیل شدید درآمدهای ارزی کشور، همراه با عدم انعطاف در سایر درآمدهای داخلی و هزینه‌های دولت موجب اتکاء شدید به منابع سیستم بانکی و گسترش سریع حجم پول کشور گردیده است. لذا عدم توازنهای ساختاری در بافت بودجه دولت و تجارت خارجی باعث گردیده است که دو جزء مهم از منابع پایه پولی تحت کنترل دولت نبوده و «پول پرقدرت» تحت تأثیر شرایط عمومی کشور و وضعیت بودجه عمومی و تراز پرداختها به‌صورت «درون زا» افزایش یابد.

تحت شرایط مذکورابزارهای سیاست پولی نیز قادر به کنترل حجم پول درگردش نبوده و عرضه پول به‌صورت «درون زا» و خارج ازکنترل مسئولین پولی افزایش یافته است. دراین قسمت به‌طور مختصر به بررسی کارائی و توانائی ابزار سیاستهای پولی در اقتصاد ایران می‌پردازیم.

الف. عملیات بازار باز

خرید و فروش اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی مؤثرترین ابزار سیاستهای پولی دربانکداری کلاسیک می‌باشد. عملکرد این سیاست اصولاً برپایه نرخ بهره استواراست که باتوجه به حرمت بهره درفقه اسلامی، پس ازتصویب قانون بانکداری بدون ربا، استفاده از ابزار مذکور عملاً متوقف گشت.

در دوران پیش از انقلاب نیز این ابزار کارآئی چندانی نداشت. چرا که استفاده فعال از این ابزار مستلزم وجود بازارهای مالی گسترده و منسجم می‌باشد، حال آنکه چنین بازارهائی هرگز در ایران وجود نداشته است. گرچه در سالهای پیش از انقلاب چندبار دولت اقدام به صدور اوراق قرضه نمود، لیکن عمده‌ترین خریدار اوراق قرضه بانکها (آنهم براساس الزام قانونی) بوده و مردم نسبت به خرید اوراق قرضه از خود رغبتی نشان نداده‌اند. بنابراین مهمترین و مؤثرترین ابزار اعمال سیاستهای پولی، درگذشته دارای اهمیت خاصی نبوده و در سالهای بعد از انقلاب نیز رسماً از ابزار سیاستهای پولی حذف گردیده است.

ب . نسبت سپرده قانونی

بانکها موظفند که درصدی از موجودی حسابهائی را که نزد آنها ایجاد می‌شود به‌عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری کنند. نسبت سپرده قانونی درمحدوده‌ای که به وسیله قانون مشخص شده است توسط بانک مرکزی قابل تغییراست. با افزایش نسبت سپرده قانونی قدرت وام دهی سیستم بانکی کاهش می‌یابد.

اگر بانکها دارای ذخایر آزاد بوده و نتوانسته باشند تاحدودی که ذخایراضافی آنها اجازه می‌دهد، به بسط وام اقدام کنند، دراین صورت افزایش نسبت سپرده قانونی نمی‌تواند اثر انقباضی داشته باشد، چرا که بانکها می‌توانند افزایش سپرده قانونی را از محل سپرده‌های اضافی

خودتأمین کنند. شواهد حاکی ازآن است که طی سالهای گذشته به دلیل رشد سریع منابع بانکی و رکود اقتصادی حاکم برجامعه، بانکها قادربه استفاده کامل ازمنابع خویش نبوده و غالباً با مازاد منابع مواجه بوده‌اند. طی دهه ۶۰ نرخ سپرده قانونی همواره درحال افزایش بوده است، با این وجود منابع مازاد سیستم بانکی با نرخهای بالا (حتی بیش از صددرصد) افزایش یافته است. تحت چنین شرایطی افزایش نرخ سپرده قانونی نقش مؤثری در کاهش قدرت وام‌دهی بانکها وکنترل حجم پول درگردش نداشته است.

ج) نرخ تنزیل مجدد

نرخ تنزیل مجدد عبارت است ازنرخ بهره‌ای که توسط بانک مرکزی وضع می‌شود و در آن نرخ، بانک مرکزی اسنادو اوراق مدت‌دار بانکها را تنزیل کرده و در قبال آنها به بانکها وام می‌دهد. باکاهش نرخ تنزیل مجدد اعتبارات اعطائی توسط بانکهای تجاری افزایش می‌یابد، زیرا تمایل بانکها به اخذ وام ازبانک مرکزی و اعطای وام به مردم افزایش می‌یابد.

این ابزار زمانی از کارائی لازم برخورداراست که بانکها برای اعطای اعتبارات باکمبود منابع مواجه شده و برای تأمین منابع مورد نیاز مجبور به تنزیل اسناد و اوراق مدت‌دار واخذ وام ازبانک مرکزی گردند. بانکها درایران به‌دلیل برخورداری از منابع مازاد فراوان، از این ابزار استفاده چندانی نکرده‌اند وحتی درسالهای پیش‌ازانقلاب نیز، منابعی که‌از طریق تنزیل مجدد به‌دست می‌آورده‌اند قابل توجه نبوده است. نهایتاً بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون بهره، این ابزار کاربرد اندک خود را نیز از دست داد.

پس بطور خلاصه در شرایطی که سیستم بانکی با مازاد منابع و عدم امکان کاربرد منابع جهت سرمایه‌گذاری روبروست و آثار انبساطی عملیات مالی دولت مرتباً بر ابعاد منابع بانکی می‌افزاید، سخن از سیاستهای پولی مرسوم مانند تغییر نسبت سپرده‌های قانونی بی‌مورد است. در اقتصاد ایران کنترل حجم نقدینگی تنها ازطریق کنترل جنبه‌های پولی عملیات مالی دولت

میسراست. کسر بودجه‌های دولت ونحوه تأمین مالی آن نه‌تنها بطور مستقیم برحجم نقدینگی بخش خصوصی می‌افزاید، بلکه با افزایش سپرده‌های بانکی، قدرت وام‌دهی و منابع اعتباری سیستم بانکی را افزایش می‌دهد.

ساخت ناسالم بودجه دولت همراه با محدودیتهای ارزی، شرایطی پدیدآورده که کنترل نقدینگی امر بسیار مشکلی گردیده و واگذاری آن به سیاستهای پولی چاره سازنیست. وابستگی به درآمد تک‌محصولی نفت و نقش ناچیز درآمدهای مالیاتی در تأمین هزینه‌های بخش عمومی و توسل به کسربودجه ومنابع سیستم بانکی، به موازات افزایش بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی، عوامل اصلی رشد نقدینگی بخش خصوصی بگونه‌ای نامتعادل و بدون تناسب با رشد تولیدات داخلی بوده و موجبات تشدید عدم تعادل بین عرضه وتقاضای کل و صعود مستمر و شتابان قیمتها را فراهم آورده‌است. لذا هرگونه سیاست ضدتورمی،مادامی که به ساختار تولید و بافت بودجه دولت و حل تنگناها و مشکلات رشد و توسعه کشور و رفع عدم تعادلهای حاکم بر اقتصاد ملی توجه نداشته باشد،محکوم به شکست خواهد بود.

خلاصه وجمع بندی نتایج

طرفداران مکتب اصالت پول معتقدند که تورم همیشه و همه جا یک پدیده پولی بوده و ناشی از عدم موازنه بین رشد عرضه پول و تولیدات حقیقی می‌باشد. بر این اساس سیاستهای پولی دولت که به‌طور ارادی اعمال می‌گردند، علت اصلی پیدایش فشارهای تورمی محسوب می‌گردند. به‌طور خلاصه نظریه پولی تورم متکی برقضایای ذیل می‌باشد:

الف. تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است. بدین معناکه نرخ رشد بالا و مستمر عرضه پول باعث ایجادتورم می‌شود و رشد پائین عرضه پول سرانجام نرخ تورم را تقلیل خواهد داد. به‌علاوه نرخ بالای تورم نمی‌تواند برای مدت طولانی بدون رشد بالای عرضه پول ادامه یابد.

ب. رابطه بین قیمتها و عرضه پول در بلندمدت متناسب می‌باشد، بدین معناکه ۱۰ درصد افزایش درعرضه پول، سرانجام سطح عمومی قیمتها را ۱۰ درصد افزایش می‌دهد.

ج. رابطه علت و معلولی ازپول به قیمت می‌باشد، یعنی اینکه تغییرات عرضه پول علت تغییرات قیمتها می‌باشد و نه معلول آن.

د. تراز اسمی پول «برون زا» و «کنترل پذیر» بوده و توسط مسئولین پولی تعیین می‌گردد. به‌عبارت دیگرعرضه پول «درون زا» وتابع فعالیتهای اقتصادی و متغیرهای کلان نمی‌باشد.

نسخه مکتب اصالت پول برای درمان تورم بسیار ساده می‌باشد. افزایش قانونمند و با ثبات عرضه پول با نرخی برابر یا اندکی بیش از رشد متوسط تولید، تمام چیزی است که برای حل مشکل تورم لازم می‌باشد.

نتایج حاصله ازبررسی تجربی فرآیند تورمی ایران را می‌توان به‌شرح ذیل خلاصه‌نمود:

۱. هر چند تجربه ایران وجود تلازم و همبستگی مستقیم و معنی‌دار بین رشد عرضه پول و رشد قیمتها را تائید می‌نماید ولی این همبستگی متناسب نمی‌باشد، لذا قضیه دوم نظریه پولی با مشاهدات مربوط به اقتصاد ایران سازگار نمی‌باشد.

۲. در اقتصاد ایران آثارانبساط پولی برتورم، عمدتاً طی یک دوره زمانی (یک سال) ظاهر می‌گردد و لذا متغیرهای پولی تأخیری فاقد تأثیر معنی‌دار برتورم می‌باشند.

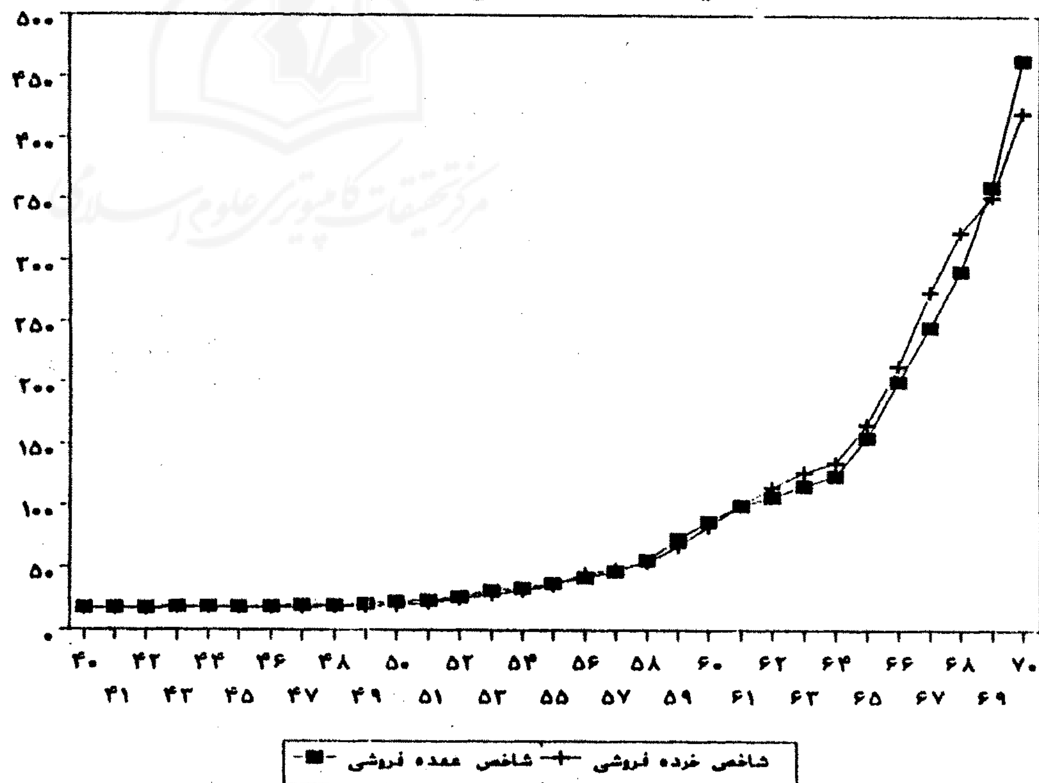
۳. ساختار اثرگذاری تغییرات حجم پول برنرخ تورم درسالهای بعد از انقلاب دچار تغییرات چشمگیری شده است. به‌عبارت دیگر در سالهای بعد از انقلاب همبستگی مثبت بین رشد عرضه پول وتورم به‌نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

۴. آزمون رابطه سببی بین حجم پول وقیمتها، حاکی ازعدم وجود روابط علت ومعلولی بین رشدعرضه پول وقیمتهامی‌باشد. به‌عبارت دیگر علیرغم

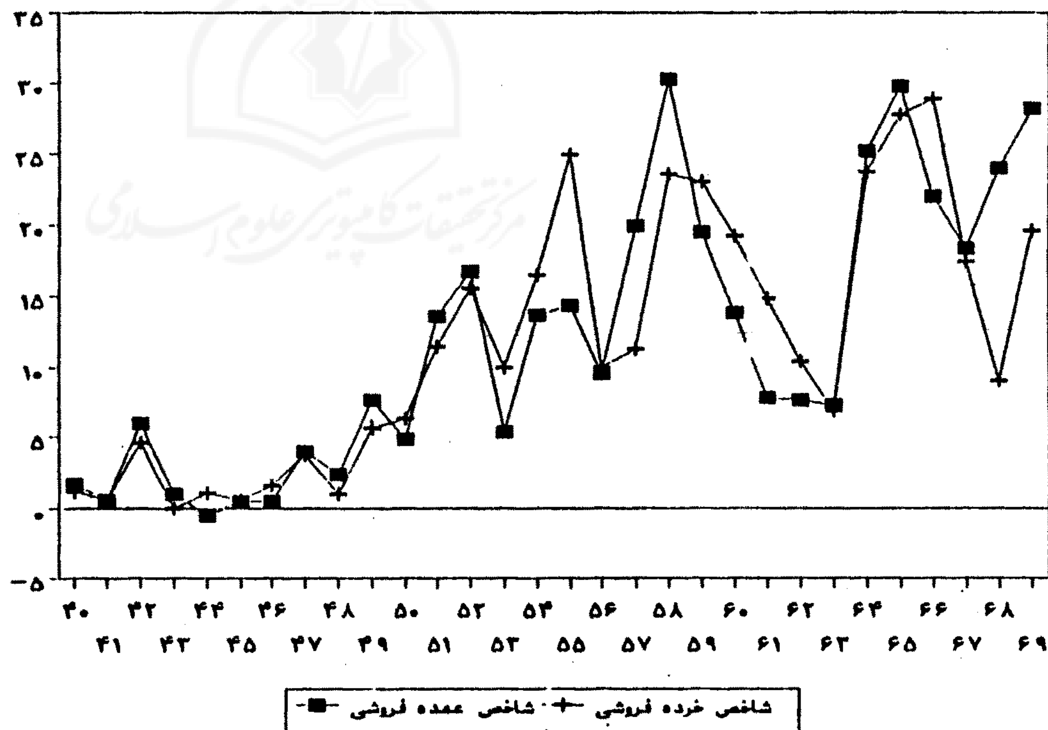
وجود همبستگی معنی داربین انبساط پولی و تورم، رابطه علت ومعلولی بین آنها وجودندارد. براین اساس همبستگی آماری قابل ملاحظه بین رشد عرضه پول وتورم جعلی بوده ودال برهیچگونه رابطه سببی نیست. لذا به منزله تأیید نظریه پولی تورم نمی‌باشد.

۵. در اقتصاد ایران عرضه پول «برون زا» و تحت کنترل بانک مرکزی نمی‌باشد، بلکه تحت تأثیر عدم توازنهای ساختاری در بخش عمومی و تجارت خارجی به‌صورت «درون زا» وخارج ازکنترل افزایش می‌یابد. لذا مادامی که ساختار بودجه دولت و تجارت خارجی اصلاح نگردد، کنترل حجم پول میسرنخواهد بود.

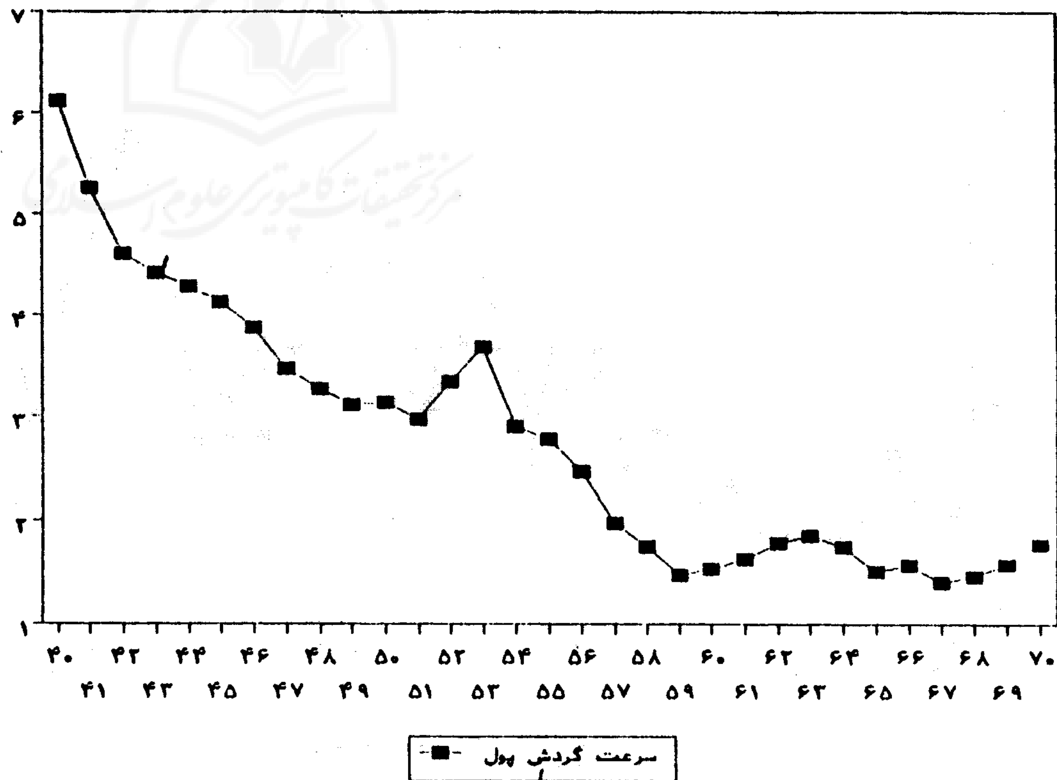
بررسی مانشان می‌دهد که تورم ایران یک پدیده پولی صرف نیست، بلکه آمیزه‌ای از مشکلات اجتماعی - اقتصادی و نهادی و مظهری ازعدم تعادلهای بنیانی کشور است. لذا مبارزه اصولی باتورم مستلزم شناخت علل و عوامل نهادی و بنیانی تورم وتلاش آگاهانه جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادلهای آن در چارچوب برنامه‌های رشد و توسعه کشور می‌باشد.



۱ ـ شاخص قیمت عمده فروشی و خرده فروشی
۵۰۰
۴۵۰
۴۰۰
۳۵۰
۳۰۰
۲۵۰
۲۰۰
۱۵۰
۱۰۰
۵۰
۰
۴۰ ۴۲ ۴۴ ۴۶ ۴۸ ۵۰ ۵۲ ۵۴ ۵۶ ۵۸ ۶۰ ۶۲ ۶۴ ۶۶ ۶۸ ۷۰
۴۱ ۴۳ ۴۵ ۴۷ ۴۹ ۵۱ ۵۳ ۵۵ ۵۷ ۵۹ ۶۱ ۶۳ ۶۵ ۶۷ ۶۹
شاخص خرده فروشی
شاخص عمده فروشی

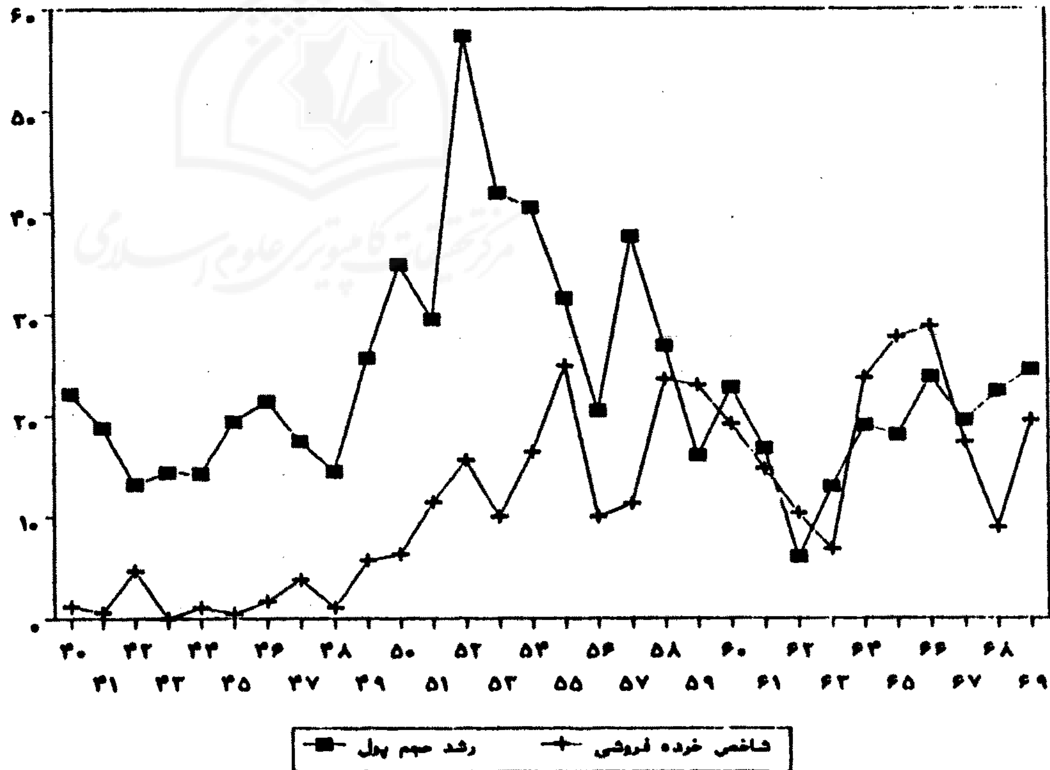


۲ - رشد شاخص قیمت
عمده فروشی وخرده فروشی
۳۵
۳۰
۲۵
۲۰
۱۵
۱۰
۵
۰
-۵
۴۰ ۴۲ ۴۴ ۴۶ ۴۸ ۵۰ ۵۲ ۵۴ ۵۶ ۵۸ ۶۰ ۶۲ ۶۴ ۶۶ ۶۸
۴۱ ۴۳ ۴۵ ۴۷ ۴۹ ۵۱ ۵۳ ۵۵ ۵۷ ۵۹ ۶۱ ۶۳ ۶۵ ۶۷ ۶۹
شاخص عمده فروشی
شاخص خرده فروشی



۳ - سرعت گردش پول
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
سرعت گردش پول

۴ - رشد شاخص قیمت خرده فروشی و حجم پول



فهرست منابع

1. Aksoy, Ataman. Structural Aspects Of Turkish Inflation, World Bank Staff Working Papers, No 540, 1982.

2. Clunies Ross, Anthony. Economic Stabilization for Developing Countries, Edward Elgar Publishing limited, Britain, 1991.

3. Crouch, Robert L. Macroeconomics, U.S.A , Harcourt Brace Jovanovich 1972.

4. Dadkhah, Kamran, The Inflationary Process of the Iranian Economy ,International Journal of Middle East Study ,17(1985).

5. Darrat, Ali. F. The Inflationary Process of Iranian Economy: and examination of the Evidence, InJournal of Middle East Study, 19 (1987).

6. Dornbusch, Rudiger and Fischer, Stanley. Macroeconomics, Fourth ed, Mc Graw Hill, New York, 1987.

7. Friedman, M. and Schwartz, Anna. A Monetary History of the United States, 1867 - 1960, U.S.A. Princeton University Press, 1966.

8. _______ Monetary Theory and Policy. In R.J. Ball and Peter Doyle (eds): Inflation, Harmondsworth, Penguin Books 1969.

9. _______ Monetary Studies of National Bureau.In the Optimum Quantity of Money and Other Essays, Chicago, Adline Publishing, 1969.

10. _______ The Counter - Revolution in Monetary Theory, Institute of Economic Affairs, Paper No33, London, 1970.

11. Frisch, Helmut. Theories of Inflation, Cambridge University Press, 1983.

12. Greenberg, E. and Webster, C.E. Advanced Econometrics, New York, Wiley, 1983.

13. Harberger, Arnold. The Dynamics of Inflation in Chile, in Measurement in Economics, Edited by Carl F. Christ, U.S.A. Stanford University Press, 1963.

14. Hicks , John. Economic Perspectives: Further Essay on Money and Inflation, Oxford, Clarendon Press, 15. Humphre, T.H. The Essays on Inflation, Virginia Richmond, 1982.

16. Ikani, Azizollah, The Dynamics of Inflation in Iran, Netherland, Tilburg University Press, 1987.

17. Kaldor, Nicholas. Monetarism and U. K. Monetary Policy, Cambridge Journal of Economics, Vol. 4, No. 4.

18. Kaldor, Nicholas, The Scourge of Monetarism, Oxford University Press, 1986.

19. Kirkpatrick C.H. and Nixon, F.I. The origins of Inflation in Less Developed Countries: A selective Review, in Inflation in Open Economics, Edited by Michael Parkin and Georgezis, U.K. Manchester University Press, 1970.

20. Laidler, D.E.W and Parkin J.M, Inflation: A Survey, Economic Journal, 1975.